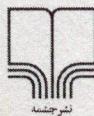




این فیلم سازِ شاعرِ
نقاشِ عروسانک سازِ
مستند سازِ افسانه پردازِ شعبده بازِ
سینمای سرگشی پاراجانف رویت صافاریان



فهرست

| | |
|-----|--|
| ۷ | پیش‌گفتار |
| ۱۳ | یک زندگی نامه‌ی کوتاه |
| ۱۹ | فصل یک. سایه‌های نیاکان فراموش شده‌ی ما |
| ۳۹ | فصل دو. رنگ آثار |
| ۵۷ | فصل سه. افسانه‌ی قلعه‌ی سورام |
| ۶۹ | فصل چهار. فیلم‌های مستند: حسرت دنیابی ازدست رفته |
| ۷۵ | فصل پنج. عاشق غریب |
| ۸۷ | فصل شش. هنر پاراجانف و هنر قومی |
| ۹۷ | مؤخره، پریمیتیوریسم سینمایی پاراجانف |
| ۱۰۱ | پیوستها |
| ۱۰۳ | مصاحبه‌ی ران و دروتوی هالووی با سرگنی پاراجانف |
| ۱۱۷ | وقایع نگاری زندگی پاراجانف |
| ۱۲۳ | فیلم‌شناسی سرگنی پاراجانف |
| ۱۲۵ | منابع مهم درباره‌ی سینمای پاراجانف |

پیش‌گفتار

نوشتن درباره‌ی یک فیلم در زمان نخستین نمایش آن، با نوشتن درباره‌ی آن سال‌ها بعد از ساختش، تفاوت بین‌دین دارد. پیرامون فیلم‌های مطرح تاریخ سینما، روزبیروز و سال‌به‌سال، مقاله‌ها و نقدها و کتاب‌ها نوشته می‌شود. به زبان دیگر، گفت‌وگویی فرهنگی حول آن‌ها شکل می‌گیرد و این گفت‌وگو در کشورها و فرهنگ‌های مختلف شکل‌های گوناگونی پیدا می‌کند که ناشی از شرایط دریافت و مواجهه‌ی اهل آن فرهنگ با آن فیلم یا مجموعه‌ی فیلم‌هاست. نوشتن درباره‌ی سایه‌های نیاکان فراموش شده‌ی ما (۱۹۶۵) و رنگ اناه (۱۹۶۹) بدون توجه به زمان ساخت فیلم‌ها و ارتباط ناگستینی آن‌ها با آن چه در آن دوره در فرهنگ و سیاست شوروی می‌گذشت، درک ما را از این فیلم‌ها بسیار محدود می‌سازد. و این اتفاقی است که تا حدودی ناگزیر روی می‌دهد. نگاهی به نحوه‌ی رویارویی ما (ونگارنده به عنوان جزئی از این «ما») با این فیلم‌ها، این موضوع را روشن می‌کند. تاریخ آشنایی ما با پاراجانف مسلمان بخشی از درک ما از پاراجانف است.

آشنایی ما با پاراجانف بانمایش فیلم رنگ اناه در انجمان فرهنگی ایران و شوروی وسیس در کانون فیلم و جاهای دیگر بود؛ در اوایل سال‌های دهه‌ی پنجاه شمسی. من فیلم را نخستین بار در زمانی که دانشجوی سینما بودم در کانون فیلم ایران و چند سال بعد برای بار دوم در سینمای بولینگ عده دیدم. فیلم مسلمان‌عامه‌پسند نبود. برقراری رابطه با آن ابدآ آسان نبود، حتی برای دانشجویان سینما. پُر بود از اشیا و لباس‌های بومی که به نظر می‌آمد بدون درک معنای آن‌ها نمی‌شود فهمید فیلم چه می‌گوید. به نظر می‌آمد که برای فهم آن باید با فرهنگ ارمنی آشنا شد، باید معنی نشانه‌های را در آن فرهنگ فهمید تا بتوان آن را درک کرد. این فیلم عجیب سراسر از قاب‌های ثابت تشکیل شده بود و حرکت آدم‌ها که هیچ دیالوگی با هم نداشتند، شکل پاتومیم و نمایشی داشت. دیگر عاملی که رابطه با فیلم را دشوار می‌کرد، نبود داستان و روایت روش بود. گفته می‌شد فیلم درباره‌ی زندگی شاعر-